



هدف ما: ایجاد فضای سالم و صلح‌آمیز در محیط علمی.

آینده‌ی بهتر متعلق به کسانی است که به آن باور دارند

First Year – Vol four - 2019

صفحه اول

سال اول - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۷

در برگه های این شماره:

پیامدهای ناگوار ناامنی در جامعه ... صفحه چهارم

اهمیت و جایگاه صلح در ولایت کاپیسا ... صفحه دوم

نقش آموزش و پرورش در برقراری صلح ... صفحه سوم

راه های رسیدن به صلح دوامدار در کشور ... صفحه چهارم

رابطه جامعه‌ی مدنی و صلح‌طلبی در سیاست خارجی دولت‌ها ... صفحه سوم

نقش آموزش و تربیت دینی در تحقق صلح جهانی

نویسنده: فروهر

مقدمه

امروزه فرایند جهانی شدن با شتاب روز افزون در حال عبور از مرزهای سیاسی، محدوده‌های فرهنگی و حریم‌های خانوادگی و فردی است. وقایع بین‌المللی نه فقط دولت‌ها بلکه افراد را نیز متأثر ساخته است. دو جنگ جهانی و آثار بجا مانده از آن، ر شد سیستم‌های تسلیحاتی، اتمی و غیره که مجموعه این وقایع جهان و ساکنین آنرا به سمت سرراشایی برده است بدیهی است که عدم تربیت و آموزش صحیح اینگونه پدیده‌ها تخریب قابل ملاحظه و فزاینده‌ی در زندگی انسان‌ها به همراه داشته و موجب درگیری‌ها و تعارض‌ها در بخش‌های ملی و بین‌المللی می‌گردد. آموزش فرهنگ صلح منجر به پرورش و ترویج اعتقادات و اقداماتی خواهد شد که مردم هر کشور باید متناسب با ساختارهای ویژه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود به آن عمل کنند. عامل اصلی تحکیم این فرهنگ در جامعه تبدیل رقابت‌های خشونت‌آمیز به همکاری‌های مبتنی بر ارزش‌ها و اهداف مشترک است.

با توجه به اینکه خشونت و جنگ ابتدا در اندیشه و ذهن انسان‌ها آغاز می‌شود بنابر این در این زمینه تعلیم و تربیت و بخصوص تربیت دینی که منجر به تغییر خود آگاهی در افراد می‌شود از اهمیت برجسته‌ی برخوردار است. فردریک مایر معتقد است، موثرترین عامل در خصوص بهبود زندگی انسان تا اکنون تربیت بوده است. از طریق تربیت فرد قادر می‌شود در مقابل موقعیت‌های جدیدی پاسخ‌های سنجیده‌ی ارائه نماید آموزش صلح آگاهی در مورد خطرات را که از طریق خشونت فقر و ستم به زندگی انسان وارد می‌شود با جریان تعلیم و تربیت تلفیق می‌کند ازینرو ضرورت است از بیان‌های معنوی و روحانی مفاهیم دینی و به ویژه دین اسلام و تربیت اسلامی در برقراری صلح استفاده گردد تربیت دینی در جهت برقراری صلح همه‌ی ما را قادر می‌سازد تا به عنوان یک شهروند جهانی رفتار کنیم و شرایط موجود را از طریق تغییر دادن ساختار اجتماعی و الگو تفکری که بر وضع موجود حاکم است متحول سازیم. ازینرو این بینش و تمایل به تغییر در قالب تعلیم و تربیت صلح قرار دارد. در این شرایط دین و تربیت دینی می‌تواند آرمان شهر الهی را به انسان‌ها نشان دهد. اگرچه صلح و آموزش صلح، مسله‌ی نسبتاً جدید به نظر نمی‌رسد اما امروزه در قرن بیست و یک با افزایش انواع خشونت‌ها مانند: توهین و تحقیر، قتل و غارت، تجاوز به حریم افراد و غیره بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است امروزه افراد به آموزش صلح به عنوان روشی که به وسیله آن میتوان نظم جدیدی در جهان، مبتنی بر احترام متقابل، سازش و مصالحه، عدالت، تداوم و حفظ محیط ایجاد نمود. بهتری روش برای مبارزه با خشونت، آموزش صلح از طریق نظام تعلیم و تربیت است.

جهانی شدن و حمایت از صلح از طریق برنامه‌های تربیتی: جهانی شدن موجب انتقال بسیار سریع و گسترده فرهنگ‌ها و سبک زندگی مدرن در تمام حوزه‌های زندگی و حتی باعث تغییر در ارزش، هویت و روابط انسان و عواطف انسان‌ها در تمام جهان شده است. واقعیت این است که در طول تاریخ بشر، ملت‌ها همیشه دارای مناسبات متقابل اقتصادی - اجتماعی و تأثیر و تأثر فرهنگی و هویتی بوده اند و برخی از ملت‌ها بیشتر از بقیه بر دیگران تأثیر گذاشته اند. و سبک زندگی، خود را

ظرفیت علمی استادان موثر بیان نمود. سپس دو تن از استادان به نمایندگی از دیگران صحبت کرده و برگزاری این کارگاه را برای زندگی شخصی و مسلکی ایشان خیلی ها موثر دانسته و از برگزاری آن سپاسگذاری نمودند در پایان تصدیق نامه‌های تهیه شده برای اشتراک کنندگان

توزیع گردید. گفتنی است که این سومین ورکشاپ مرکز صلح دانشگاه البیرونی است که برای استادان در مورد روش‌های نوین تدریس برگزار گردید. قبل از این شش دور ورکشاپ صلح و حل منازعات برای ۱۲۰ تن از دانشجویان نیز برگزار گردیده است.

کنفرانس علمی نقش تحصیلات عالی در تقویت صلح از طرف مرکز صلح دانشگاه البیرونی برگزار شد



در این کنفرانس پس از تلاوت قرآن کریم توسط عبدالرقيب رحیمی آمر جوانان ولایت کاپیسا، پوهنمل احمد جاهد مشتاق مسوول مرکز صلح و معاون علمی دانشگاه البیرونی اشتراک کنندگان را خوش آمدید گفته و صلح در آموزش را یک میحث مهم و جدی بیان نمود. سپس پوهنمل دوکتور ضیاءالرحمن رویین رئیس دانشگاه برگزاری این کنفرانس را در شرایط کنونی بسیار مهم و ارزنده بیان نمود. سخنران اول این برنامه پوهنمل دوکتور عبدالقهار سروری بود که پیرامون موضوع صحبت همه جانبه نموده و نقش تحصیلات عالی را در تقویت صلح و حل منازعات برجسته عنوان کرد. سخنرانان بعدی هریک پوهنیار محمد وسیم آرین و پوهنیار نور محمد حشمت استادان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه البیرونی در مورد نقش تحصیلات عالی در تقویت پروسه صلح پرزنتیشن های ایشان را ارائه نمودند. بعد از آن دو تن از اعضای کانون صلح جوانان مرکز صلح طرح‌ها و سخنان خویش را پیرامون موضوع ابراز کردند. در پایان ساره سیرت عضو پارلمان جوانان افغانستان نیز به اهمیت نقش خانم‌ها در مورد صلح و حل منازعات صحبت‌های خویش را بیان کرد. برنامه با دعایه به پایان رسید. گفتنی‌ست که این کنفرانس از طرف مرکز صلح دانشگاه البیرونی با همکاری مرکز آموزشی لینکلن برگزار گردید.

نویسنده گزارش: فاضل آرین

ورکشاپ روش‌های تدریس صلح و حل منازعات برای استادان دانشگاه

البیرونی تدویر یافت



این ورکشاپ در مورد روش‌های نوین تدریس به ویژه تدریس مضمون صلح و حل منازعات از طرف مرکز صلح دانشگاه البیرونی برای ۱۰ تن از استادان دانشکده های علوم اجتماعی دانشگاه البیرونی تدویر یافت. این کارگاه آموزشی توسط حمید الله ناطق مدرس صلح و حل منازعات انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا به پیش برده شد. روش تدریس این ورکشاپ بیشتر عملی بوده و با توجه به روش های نوین تدریس، صورت گرفت. در روز اخیر ورکشاپ، پوهنمل احمد جاهد مشتاق مسوول مرکز صلح و معاون علمی و پوهنمل دوکتور ضیاءالرحمن رویین رئیس دانشگاه البیرونی در مورد اهمیت صلح در آموزش صحبت‌های همه جانبه نموده و برگزاری این گونه ورکشاپ‌ها را در قسمت بلند بردن

...ادامه ۳ نسخه قبلی... اخلاص: مراجعه به صلح لازم است که صفت اخلاص را در خود داشته باشد و مقصد او از صلح تنها رضایت الله باشد، تا خداوند برایش اجر دهد و توفیق انجام این کار را نصیب او گرداند. نیت افراد نظر به صلح متفاوت است، بعضی آنها رضای خداوند ج و بعضی از آنها رضای مردم و دنیا را میطلبند. **خواست استقامت از خداوند و مایوس نشدن:** لازم است مصالحه کننده از خداوند متعال طلب استقامت نماید، دعا نماید و در این دعا ها از خداوند طلب مؤفقیّت و توفیق نماید تا به هدف خود نایل گردد. او در میان قلب ها محبت را به میان می آورد، آن محبت که بدون خداوند کسی دیگر بر آن قادر نمی باشد، الله متعال میفرماید « ترجمه: بی گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را خرج میکنند تا (مردم را) از راه خدا باز دارند، پس به زودی همه آن را خرج میکنند و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشت، سپس مغلوب میشوند، و کسانی که کفر ورزیدند به سوی دوزخ گرد آورده خواهند شد ». (سوره انفال / آیت ۳۶).

علم: برای مصلح لازم است به امور ذیل توجه نماید:

۱. مصلح دربارهٔ صلح آگاهی داشته باشد، اهمیت، شروط، عوامل مؤفقیّت و امثال آنرا بداند در شریعت اسلامی علم رهنمای عمل است و امام بخاری در کتاب صحیح خود برای آن بایی را اختصاص داده است (علم قبل از قول و عمل). این منیر گفته است (مقصد از این همان است که برای درست بودن قول و عمل علم شرط است بدون علم قول و عمل اعتبار ندارد، زیرا علم از هردوی آنها اولویت دارد بدین مفهوم که علم تصحیح کننده نیت است). ۲. معلومات راجع به کسانی که در بین آنها مصالحه می نمایند، باید حالت آنها را خوب بداند. ۳. مصلح باید به عادات و عنعنات ان اشخاص با خبر باشد که میان آنها صلح را تأمین مینماید.

پاکی و انصاف: در تمام امور پاکی و انصاف به مفهوم ترک بغاوت و ظلم است و از اوامری است که خداوند (ج) بر آن تأکید کرده است، خداوند میفرماید « ترجمه: در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان میدهد و از کار زشت و نا پسند و ستم باز میدارد، به شما اندرز میدهد، و نا پسند که پند گیرید . « ۱۷۷ (النحل/آیت ۹۰).

دلیل قوی و حضور طبیعی: مصلح باید دلیل قوی داشته باشد، استعداد بیان موضوع را نیز دارا باشد، به طریقهٔ مناقشهٔ خوب آشنا باشد. طبیعت او باید به مسأله متوجه و ذهنش از امور دیگران خالی باشد، موضوعات مختلف را باید جمع بندی نماید، اتحاد و وحدت را میان افکار مختلف آورده بتواند میان نظریات اختلافی و وحدت به میان آورد، در مجلس سخنانه حکیمانه بگوید، اگر بحث به سمت خراب در جریان بود مجلس را متوقف و به یک وقت دیگر محول سازد. زیرا صلح در بسا موارد بعد از مذاکرات زیاد به میان می آید، از صلح حدیبیه مردم مسایل زیادی را آموخته میتوانند.

برای تحقق صلح صبر نمودن: به مصلح لازم است که برای تأمین و استقرار صلح از صبر کار گیرد، امکان دارد او در تأمین صلح به مشکلات روبرو گردد. به دوستان خود در تأمین صلح کمک نماید، از تلاش خود مایوس نگردد، نیت او پاک و صبرش زیاد باشد و در نتیجه تلاش خود آنچه را به دست می آورد که توقع داشت. ابو سعید میفرماید « در آیت حکمین تشویق شده اند که صلح را تأمین نمایند، از تلاش خود خسته نشوند. چنین واقع نشود که در ارادهٔ شان خلل وارد شود. بعضی ها میگویند اگر آنها اصلاح طلب باشند خداوند بر ایشان توفیق میدهد.

در خود صفاتی را جا دادن که دیگران بر

وی اعتماد نمایند: مقصد این است که در نقل امین باشد، اسرار هر دو جانب را مخفی نگه داشته، در حرف و نیت خود صادق بوده، دارای اخلاق حمیده باشد، از اخلاق نا پسند دوری نماید، مصلح باید بسیار پرهیزکار باشد و از مسایل مشکوک خود را به دور داشته باشد.

عوامل ناکامی صلح: بسیاری از کارها منجر به ناکامی و عدم موفقیت صلح در اجتماع می گردد و انسان نمی تواند بدون آن به صلح دائمی برسد. در این جا به طور خلاصه موارد ذیل را بیان می کنیم. ضعف ایمان، جهالت زیاد و کمزوری، پیروی راه های شیطان، خواهشات نفس و محبت کامیابی نفس، گوش دادن به نامان یا سخن چینان و با پرخاشگرایان در مورد صلح مذاکره نمودن.

نتیجه گیری: در نتیجه دریافتیم که بعضی از عوامل باعث موفقیت و بعضی از عوامل دیگر باعث عدم موفقیت صلح در اجتماع می گردد. پس بناً برای ما لازم است که به خاطر صلح کار کنیم و در صدد این باشیم که چگونه بتوانیم صلح را در اجتماع خود نهادینه بسازیم، چون جامعه ما به یک صلح پایدار و همیشه گی ضرورت دارد. ما باید دیگر فریب بی گانه گان را نخوریم، خودمان دست به کار شویم تا باشد که صلح در کشور عزیز ما افغانستان نهادینه شود. برای هر فرد مسلمان لازم است که به خاطر صلح کار کند و در این راستا تلاش فروان خود را به خرج بدهد.

اهمیت و جایگاه صلح در ولایت کاپیسا

مقدمه

کاپیسا یکی از ولایت های مرکزی کشور بوده که با ولایت های چون پنجشیر در شمال، پروان در غرب، کابل در جنوب و ولایت لغمان در شرق هم سرحد میباشد. مرکز این ولایت شهر محمود راقی بوده و دارای ۱۲۱ کیلومتر مربع مساحت میباشد. این ولایت دارای هفت ولسوالی بشمول مرکز میباشد که از آن جمله دو ولسوالی آن تگاب واله سالی ولسوالی های اند که در آن مخالفین مصلح دولت وجود دارند. که موجودیت این گروه های هراس افکن مانع پیشرفت صلح درین ولایت شده است. فعالیت گروه های هراس افکن به ویژه شبکه حقانی والقاعده در ولسوالی های تگاب واله سالی ولایت کاپیسا میتواند تهدید جدی بر امنیت پایتخت کشور یعنی شهر کابل باشد. چون ولایت کاپیسا اندکی از کابل فاصله دارد. همچنان ولایت کاپیسا دارای موقعیت خاص جغرافیایی بوده بناً باید دولت در تأمین صلح در این ولایت توجه خاصی مبذول نماید.

اهمیت صلح در ولایت کاپیسا

برای همه هویدا است که صلح و مصالحه در تمام قوانین اعم از قوانین اسلامی و غیر اسلامی ملی و بین المللی یک اصل و یک فورمول اساسی است. برای ثبات دایمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و دینی نیاز مبرم می باشد، اساس یک ملت، جامعه، دولت و حتی رشد تمدن را امنیت، صلح و آسایش تشکیل میدهد. جوامع که به اصطلاح جهان نخست و یا جهان اول یاد میشوند و تکامل نموده اند، گاهی هم در جنگ های ملی و بین المللی و فرامنطقه‌ی درگیر بوده اند. بنا در اثر سعی و تلاش خستگی ناپذیر شخصیت های علمی و سیاسی اوضاع متشنج و ناگوار به فضای پر از صمیمیت، اخلاص، همدیگرپذیری و امنیت مبدل نموده اند. پس ملت رنج کشیده افغانستان نه تنها در فهرست کشورهای فقیر و جهان سوم میباشد بلکه دارد در ورطه‌ی جنگ و نا امنی، فضای بی اعتمادی، خشونت و غیره... پنجه نرم می نماید واز اثر همین فضای (کابوس سیاه) آمیخته به مشکلات، و موانع، جنگ و خشونت قلم رو خود را گسترش میدهد و فضای بزرگ و بزرگ تری را احاطه مینماید و پیامد اش تباهی، مهاجرت، واز بین رفتن زیربناها وحتی در اثر زمان گیری

...ادامه ۴ نسخه قبلی... هدف این است که برادرم برای چوکی، مقام و منصب قیام نکرد بلکه برای اینکه به امت جدم تعلیم دهد که نباید زیر بار ظلم رفت. باید از خود حریت داشت باید آزاد زندگی کرد. ولی شهدای ما زینب نداشت که بیان کند که شهدای ما هدف شان این است از شما این را تقاضا دارد. ارزش خون شهدا را ندانسیم، همین است که پیش رفت نمی کنیم و آزادی نداریم.

جنگ میتواند جغرافیای منطقه و فرامنطقه را هم تحت پوشش خود قرار بدهد و بیشتر ملت ها، و دولت ها را متضرر بسازد. بلاخره جهان و قسمت آن در گودالهای شعله جنگ از هم فرو ریزد و نظم سیستم حاکم بر طبیعت از بین برود و جهان تبدیل به یک مخروبه و ویرانه گردد. صلح در تمام قوانین ملی و بین المللی، و قانون دین مقدس اسلام از زاویه های مختلف بحث شده است و در تمام قوانین از جایگاه برجسته برخوردار میباشند، در قرآن کریم صلح و مصالحه را منحنیث یک اصل و وجیبه‌ی، دولت، و حتی مسؤولیت تمام مسلمانان می داند. قرآن کریم مصدر نخستین دین مقدس اسلام، اساس و بنیاد هلاکت و تباهی ملت ها و جوامع را، اختلاف و کشمکش معرفی می نماید. و خداوند(جل جلاله)، می فرماید. ترجمه: (شما برلبه‌ی گودالی از آتش بودید. پس خداوند شما را از آن نجات داد). در جای دیگر خداوند (جل جلاله)، می فرماید که اختلاف سبب از بین رفتن قوت، شوکت، ومثانت تان می گردد، بناً در اثر تنازع و کشمکش ملت ها و اقوام ماهیت و هویت خود را از دست می دهند. اتحاد، یکپارچگی و همبستگی پایه های اساسی بقا و استحکام ملت هارا تشکیل میدهند، و قضایای معکوس اش علت و انگیزه‌ی از بین رفتن جوامع، دولت ها و ملت ها خواهد گردید، روی این ملحوظ الله متعال می فرماید. ترجمه: و از خداوند و پیغمبرش اطاعت نمائید و (در میان خود اختلاف) و کشمکش نکنید، (که اگر کشمکش کنید) در مانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود (و ترس و هراسی از شما نمی شود). شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است. از این جهت در قرآن کریم سوره‌ی (اخلاص)، بنام سوره توحید نیز نام گذاری شده است، به این معنی که الله (جل جلاله) یکتا است، و منحنیث مظهر وحدت و جلوگیری از اختلاف و پراکنده گی، یک نظام را به عنوان اسلام به بشریت فرو فرستاده است، و محور زمین و مرکز اصلی این نظام کعبه و مکه را مشخص نموده اند که در حقیقت بنابر تعبیر قرآن دنیا منحنیث یک دهکده می باشد، و نظام اساسی اش اسلام را معرفی نموده است و منحنیث منبع، مصدر و قانون قرآن و سنت را فرو فرستاده است تا از اختلاف، جنگ و خون ریزی و برهم خوردن نظام جلوگیری شود و در پی این حلقه های متعدد جهت مظهر وحدت و یکپارچگی دین اسلام عزیز میباشد. مشت نمونه، می توان حلقه وصل و اتصال حج را دانست که در ایام حج اقوام و توده های مختلف، زبان های مختلف از ممالک مختلف با اشکال و قیافه های ناهمگون گرد یک خانه به یک صدا(لیبک الهم لیبک)میگویند در میان شان هیچ نوع تبعیض و نژاد پرستی، زبان پرستی و بزرگ نمایی مشاهده نمی گردد. و اما در مورد صلح در ولایت کاپیسا به گفته زیرا کسانی که میخواهند از خشونت دست بکشند از سوی این گروه ها تهدید به مرگ میشوند. همچنان ریس کمیته صلح ولایت کاپیسا میگوید که گروه های هراس افکن در ولسوالی های تگاب و اله سالی از سوی سازمان استخباراتی کشورهای همسایه حمایت میشوند. بناً ولایت کاپیسا چون در یک موقعیت خاص جغرافیایی کشور قرار دارد در تأمین صلح ولایات همجوار و حتی کشورعزیز ما افغانستان نقش قابل ملاحظه‌ی دارد. پس باید دولت جمهوری اسلامی افغانستان به این منطقه‌یجغرافیایی توجه خاصی مبذول نماید. در پهلوی آن علما کشور نیز در آوردن صلح نه تنها در این ولایت بلکه در تمام کشور مسؤولیت دارند تا در آوردن صلح و اهمیت آن در مساجد برای مردم تبلیغ نمایند تا مردم به ارزش و جایگاه صلح پی برده و از جنگ و برادر کشی دست بکشند تا باشد که ما یک افغانستان متحد، باعزت و با استقلالیت کامل داشته باشیم. در نتیجه میتوان گفت ولایت کاپیسا یکی از ولایت های مهم و تاریخی بوده که در تمام مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی میتواند نقش قابل ملاحظه یی داشته باشد چون این ولایت از یک طرف به پایتخت کشور نزدیک بوده و از طرف دیگر در یک منطقه مهم جغرافیایی کشور اخذ موقعیت کرده است که میتواند حتی در تعاملات منطقه‌یی نقش داشته باشد. این ولایت دارای هفت ولسوالی بشمول مرکز میباشد.

...ادامه ۱ .. (محبوبترین و نزدیکترین شما نزد من خوش خوترین شماست)، و خود او نیز الگو اخلاقی بوده ازین رو در قرآن کریم در وصف او فرموده است: (ای پیامبر همانا تو دارای بهترین اخلاق هستی). دین فواید بیشماری برای زنده گی انسانها به ارمغان آور ده است که مهمترین آنها هدایت انسان به سعادت پایدار اخروی است اما علاوه بر این نقش دین را نمیتوان در زنده گی مدنی انسانها نادیده گرفت چراکه بسیاری از مؤلفه های اساسی تمدن همچون اخلاق، علم، معنویت وسیاست عدل محور در پرتو دین به زنده گی اجتماعی بشر راه یافته اند. ادیان آسمانی و پیامبران الهی همواره پیام آور صلح وزنده گی مسالمت آمیز برای انسانها بوده اند وپیروان خود را همواره به این امر مهم دعوت کرده اند. اگر چه در مواقعی دیندارانی با افکار متعصبانه وکج اندیشانه خود ناآرامی، جنگ وخشونت با دیگر پیروان مذاهب را موجب شده اند که نمونه های آن در تاریخ کم نیستند. در آغاز هزاره جدید چالش های عمیقی فراروی جامعه جهانی وجود دارد. موارد متعددی چون انزوا وگوشه گیری جوانان از جامعه، افزایش میزان جنایات خشونت بار جوانان و نوجوانان،تخریب محیط زیست ودرگیری های متعدد محلی وبین المللی از جمله این مسایل هستند. به علت پیچیده گی های موجود در جهان معاصر و گسترش وسایل ارتباط جمعی، بسیاری از کودکان خشونت را از طریق رسانه ها فرا میگیرند همچنین ظهور اینترنت و بازی های رایانه ای خشونت را بیش از پیش ترویج داده اند به نحوی که به تدریج خشونت جزء از فرهنگ شده و در قالب رفتار های عادی و روز مره نوجوانان وجوانان متبلور میشود، پدیده ای که از آن به عنوان طبیعی سازی خشونت نام برده میشود در این میان محاکم، موسسات وافراد هی هستند که برای فرو نشاندن بحران دست به اقداماتی می زنند اما در عمل توفیق چندانی حاصل نمی کنند. برای مثال از آن میتوان به سازمان ملل متحد اشاره کرد. بنابراین باید برای حل این معضل در جستجوی راه کار های اساسی بود. ما با پذیرش این نکته که دین میتواند و باید بتواند پیام صلح خود را امروزه عملی کند باید به دنبال رویکرد مناسب در حوزه دین باشیم. رویکردی که مطابق با شرایط حاضر در عصر جهانی شدن داشته باشد و در نتیجه بتوانیم آنرا در بر نامه های تربیت دینی خود به اجرا در آوریم.

رابطهٔ جامعه‌ی مدنی و صلح‌طلبی در سیاست خارجی دولت‌ها



جامعه‌ی مدنی پدیده عصر مدرنیسم و خردگرایی (راسیونالیسم) است. با گسترش تدریجی تمدن مدرن به سراسر جهان، ویژگی‌های این تمدن، از جمله نقش جامعه‌ی مدنی در توسعه و پیشرفت جامعه نیز اندک‌اندک به جوامع دیگر منتقل شد.

برخود دولت‌ها با این پدیده متفاوت **نویسنده: احمد ضیاء مصلح** بوده و موافقان و مخالفان بسیاری در میان آنها برای خود ایجاد نموده است. بیشترین مخالفت با جامعه‌ی مدنی از سوی دولت‌های خودکامه به جهت اینکه قدرت انحصاری آنها را به چالش می‌کشد، صورت گرفته و حامیان اصلی آن دولت‌های مردم‌سالار است. کل‌گرایی در تعریف جامعه‌ی مدنی و دولت و اصالت بخشیدن به کلیت جامعه در مقابل حقوق افراد و بشر، و فردگرایی و اصالت بخشیدن به فرد و جامعه‌ی مدنی، دو برداشت اصلی از جامعه‌ی مدنی در میان اندیشمندان حوزه‌ی علوم سیاسی می‌باشد که هر کدام به پیامد متفاوتی در زمینه‌ی صلح و ستیز در سیاست خارجی دولت‌ها و روابط بین‌الملل می‌انجامد. واژه‌ی «مدنی» در مقابل دو اصطلاح یا واژه‌ی دیگر معنا پیدا می‌کند؛ نخست در معنای موسع کلمه به مفهوم «ضد بدوی» یعنی جامعه‌ی که از بدویت و حالت زندگی‌های اولیه پیش رفته و زندگی شهری که در آن دانش، ادب، قانون، توسعه و... می‌باشد، شکل گرفته است. دوم در معنای مضیق مدنی که معادل «Civil Society» در زبان انگلیسی استفاده می‌نماییم، در مقابل «Military» یا نظامی‌گری استفاده می‌شود. از این دید جامعه‌ی مدنی به نهاد‌هایی اطلاق می‌شود که بخشی از دستگاه اجرایی قدرت نیستند، یعنی قدرت نظامی و وسیله‌ی سرکوب نداشته اما در معادلات قضایا نقش دارند. از جامعه‌ی مدنی تعاریف مختلفی شده است اما همه در اصل آزادی انسان برای انجمن‌سازی و گسترش «مدنیت» اتفاق نظر دارند. از دید برت باودن، در قلمرو داخلی، جامعه‌ی مدنی اشاره به فضای اجتماعی و سیاسی جدای از دولت دارد که در آن افراد و جمع‌ها آزادانه پیگیر و درگیر فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌شوند. جامعه‌ی مدنی در حد فاصل حوزه خصوصی یا خانواده و حوزه عمومی دولت وجود دارد. جامعه‌ی مدنی مجموعه سازمان‌دهی اجتماعی، ارادی، مستقل از دولت، قاعده‌مند و خالی از خشونت است که در پی کسب اهداف و منافع مشترک افراد، یا برای

بیان احساسات مشترک تجمع‌کنندگان، در عین رعایت حقوق دیگران برای انجام عمل مشابه، برپا می‌شود. در میان اندیشمندان علوم سیاسی دو گرایش مهم در مورد هدف و کارکرد جامعه‌ی مدنی وجود دارد که به نتایج متفاوت در عرصه‌ی روابط بین‌الملل می‌انجامد. گروه نخست کل‌گرایان هستند. این گروه از دانشمندان اصالتی مجزا و ذاتی برای جامعه‌ی مدنی قابل نیستند و تنها آنرا مرحله‌یی از فرایند پیشرفت اجتماع انسانی می‌شمرند که تنها با اتصال به دولت می‌تواند به حیات خود ادامه داده و با تبعیت از آن به کمال و معنی دست یابد. در یک بررسی هگل، مارکس و آنتونیو گرامشی در جمع اندیشمندانی قرار می‌گیرند که دیدگاه کل‌گرایانه نسبت به جامعه‌ی مدنی داشته و آنرا در چارچوب کلیت دولت قابل حل می‌دانند. هگل نقطه‌ی اوج جامعه‌ی مدنی را در این میدانند که افراد با علاقه و دل‌بستگی از دولت تبعیت کنند. جامعه‌ی مدنی در دیدگاه مارکس به طور مجزا ارزشی نداشته و وجود آن معنایی ندارد؛ بلکه در بستر کلیت جامعه است که معنا می‌گیرد. مفهوم جامعه‌ی مدنی به عنوان کلیت پیچیده و پوینده‌ای از نهاد‌ها و روابط و تشکیلات و سنن خصوصی و عمومی که بین دولت و ابزار قهریه و قانونی آن از یک سو، و زیربنای اقتصادی از سوی دیگر، قرار دارد، مورد توجه خاص گرامشی بوده است. وی جامعه‌ی مدنی را تنها با هضم در کلیت جامعه و تبعیت از دولت، معنا دار می‌بیند و از این جهت هم با هگل و هم با مارکس دارای مشابهت است. از این رو کل‌گرایی در برداشت از جامعه‌ی مدنی به دولت‌گرایی محض در عرصه‌ی سیاست خارجی بدل می‌شود، حتی اگر دولت دست به کار جنگ و خونریزی در عرصه‌ی بین‌الملل شود، آن جنگ و خونریزی عین ارزش خواهد بود، و فدا شدن انسانها در راه آن دولت نقطه‌ی اوج کمال و افتخار آنها. در کنار گروه نخست متفکران که نگاهی کل‌گرا به مفهوم جامعه‌ی مدنی داشته و هویت و ارزش مجزای آنرا مردود انگاشته و در نهایت آنرا در خدمت دولت و طبقه‌ی حاکم می‌دانستند، گروهی دیگر از متفکران هستند که با نگاه جزگرایانه‌ی خویش، فرد انسانی و حقوق فردی انسان را پایه و اساس جامعه‌ی مدنی دانسته و آنرا مظهر و مرحله‌ی متعالی از پیشرفت جامعه‌ی بشری تلقی می‌کنند. اندیشمندانی چون جان لاک، امانوئل کانت و کارل پوپر به اصالت جامعه‌ی مدنی و اینکه جامعه‌ی مدنی است مبتنی بر رضایت مردم، و حکومتی که در آن تشکیل می‌شود برخواسته از مردم است - اتفاق نظر دارند. در این ره‌یافت

جامعه‌ی مدنی اصل است و حکومت فرع؛ به نظر می‌رسد این نوع نگرش به جامعه‌ی مدنی به دیدگاه مسالمت‌جویانه و مبتنی بر صلح و همکاری در عرصه‌ی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل می‌انجامد. تجربه‌ی تاریخی ثابت ساخته است که نظام‌های سیاسی دارای جامعه‌ی مدنی قوی و متکی بر اراده‌ی مردمی بیشتر صلح‌طلب بوده‌اند تا ستیزه‌جو، و آغازگر جنگ‌ها اغلباً دولت‌های خودکامه و فاقد جامعه‌ی مدنی تأثیرگذار بر قدرت بوده‌اند. نهاد‌های مردم‌سالار محدودیت‌هایی بر توانایی رهبران برای مبادرت به جنگ و اتخاذ سیاست خارجی ستیزه‌جو اعمال می‌کنند، که در نتیجه آنان را به سادگی از انتخاب جنگ باز می‌دارند. چون از اساسات مهم نظام‌های مردم‌سالار وجود نهاد‌های مدنی فعال است، پس میتوان رابطه میان جامعه‌ی مدنی و صلح‌طلبی را به خوبی از دیدگاه تیوری «صلح دموکراتیک» قابل تبیین دانست. تیوری صلح دموکراتیک در روابط بین‌الملل، مروج این ایده است که دموکراسی‌ها جنگ طلب نیستند. اگر مردم‌سالاری تنها به دولتی اشاره داشته باشد که ضمن برگزاری انتخابات رقابتی ادواری برای شهروندان خود حقوق برابری قائل باشد روشن است که مردم سالاری‌ها اصلاً یا دست‌کم به ندرت به جنگ یکدیگر می‌روند. اگر جنگ بین‌المللی را به معنی درگیری نظامی با تلفات انسانی ۱۰۰۰ نفر بیش‌تر بگیریم در این صورت در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۱۶ و ۱۹۹۱ تعداد ۳۵۳ زوج دولت با هم درگیر چنین جنگ‌هایی شده‌اند. هیچ یک از این جنگ‌ها میان مردم سالاری‌ها رخ نداده ولی در ۱۵۵ جنگ تنها یکی از دو کشور درگیر، مردم سالار بوده و در ۱۹۸ جنگ هردو دولت درگیر غیر مردم‌سالار بوده‌اند. برتراند راسل، از فلاسفه‌ی بزرگ معاصر، معتقد است یکی از مزایای دموکراسی نسبت به حکومت استبدادی این است که کمتر خواهان جنگ است. منافع جنگ یا همان منفعی که از آن انتظار دارند، از آن طبقات بالای ملتی است که پیروز می‌شود، حال آنکه زبان‌های آن متعلق به مردم عادی است. با این بررسی مختصر می‌توانیم به این نتیجه برسیم که کل‌گرایی و عدم اصالت به حقوق افراد و بشر و جامعه‌ی مدنی به نوع خاصی از نظریه‌ی دولت می‌انجامد که به دلیل اصالت دادن به کلیت اجتماعی و ارزش‌های برخواسته از آن به تعارض‌گرایی و ستیزه‌گری در اندیشه‌ی بین‌المللی و سیاست خارجی دولت‌ها و گاهی تقدیس جنگ منجر می‌شود. فردگرایی و اصالت دادن به جامعه‌ی مدنی نیز می‌تواند به گرایش جهان‌گرایی، رفع خصامه، تقدیس صلح و نهاد‌های بین‌المللی منجر شود.

نقش آموزش و پرورش در برقراری صلح

مقدمه

صلح یا آشتی یکی از مفاهیم و ارزش‌های اساسی در زندگی بشر بوده و نقش اساسی در دست یافتن به آسایش، آرامش و پیشرفت دارد. تجارب زندگی بشری نیز بر اهمیت صلح در شکل‌گیری جامعه پویا تأکید خاص دارد. این مقاله فشرده نقش آموزش و پرورش در ایجاد صلح را از دید دانشمندان و بر مبنای یافته‌ها و نظریه‌های پژوهشگران و صاحب‌نظران عرصه‌های صلح و سازندگی مورد بررسی قرار می‌دهد. صلح کلمه‌یی است که بالای هر فرد تأثیر دارد و باعث ایجاد آرامش روحی و روانی در افراد می‌شود، زندگی در فضایی صلح‌آمیز آرزوی هر شهروند است. زندگی در یک فضایی صلح‌آمیز باعث پیشرفت و انکشاف شده و شهروندان کشور میتوانند در آرامش خاطر به زندگی خود ادامه بدهند. دست‌یابی به صلح پایدار را میتوان از تغییر خود، جامعه، و نهاد‌های علمی آغاز کرد. در نبود صلح و در صورت عدم اعتنا به آشتی، همدیگر پذیری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، امکان دست یافتن انسان‌ها و جوامع انسانی به آرامش، آسایش و ترقی وجود نخواهد داشت. از طریق آموزش مبتنی بر محتوای با ارزش و مفاهیم صلح در اذهان عامه دانشجویان در نهاد‌ها آکادمیک، امکان برقراری و گسترش صلح به صورت چشم‌گیری افزایش خواهد یافت. مسله صلح در نهاد‌های علمی از اهمیت خاص برخوردار است. نهاد‌های علمی نقش اساسی در ایجاد صلح دارند. رابطه بین تعلیم و تربیه با صلح و بنیادهای مربوط به آن یک رابطه دیالکتیکی است، یعنی به همان اندازه که آموزش و پرورش موثر مخلوق وضعیت صلح‌آمیز و فضای با ثبات در یک جامعه می‌باشد، خود نیز در ایجاد شرایط مناسب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نقش موثر دارد. افزایش حس احترام به آزادی و حقوق دیگران و هم‌چنان نهادینه کردن ارزش‌های مدنی در وجود شاگردان و نسل آینده یک جامعه می‌باشد. وظیفه نهاد‌های تعلیمی و تربیتی است که کودکان را از آوان کودکی به اهمیت آزادی، طرز استفاده صحیح از آن، همکاری با یکدیگر در اداره امور، دوری از ظلم و ستم و مساوات در مقابل قانونی که خود وضع کرده‌اند، عادت دهند.

صلح به معنای آشتی و سازش است و در اصطلاح سیاسی دست کشیدن از جنگ (متارکه، آتش بس، نبود جنگ، از میان بردن دعوا، پایان دادن به اختلافات و منازعات می‌باشد. صلح به معنا شرایط و ماحولی‌ست که بر بنیاد و اصول هماهنگی و آرامش سراسری، امنیت و عدالت اجتماعی استوار باشد. در این ماحول انسان‌ها از خشونت و منازعه پرهیز میکنند و زمینه‌های رفع هر نوع مناقشاتی را که منجر به منازعه و جنگ می‌گردد مساعد می‌سازند. آموزش و پرورش که اکنون جز اساسی هر کوششی است که به منظور رشد جامعه و پیشرفت بشر به عمل می‌آید، مقام مهم و روز افزونی در تنظیم سیاست‌های ملی و بین‌المللی احراز می‌کند. رابطه بین تعلیم و تربیه با صلح و بنیادهای مربوط به آن یک رابطه دیالکتیکی است، یعنی به همان اندازه که آموزش و پرورش موثر مخلوق وضعیت صلح‌آمیز و فضای با ثبات در یک جامعه می‌باشد، خود نیز در ایجاد شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موثر است. برای اینکه نقش تعلیم و تربیت را در ایجاد و تحکیم صلح به صورت روشن‌تر مورد بحث قرار بدهیم، لازم است کار‌های اصلی و اساسی نهاد‌های آموزش و پرورش بررسی و رابطه آن با صلح مورد ارزیابی قرار بدهیم. یکی از کارکرد‌های عمومی آموزش و پرورش جامعه پذیری است. جامعه‌پذیری به معنای هم‌سازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و فردی، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت موثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزش‌ها و دانش‌ها فرد را قادر می‌سازد که با گروه‌ها و افراد جامعه، روابط و کنش‌های متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن، امری مستمر و به اعتباری مادام‌العمر است. جامعه‌پذیری سیاسی تا پایان مقطع ابتدایی به خوبی در فرد تثبیت میگردد. به این ترتیب مهم‌ترین جوانب شخصیت سیاسی در سال‌های اولیه به دست می‌آید و آنچه که کودک در این سال‌های اولیه می‌آموزد، سالیان سال به او باقی می‌ماند و رفتار سیاسی آینده او را تشکیل میدهد. دولت‌مردان زمانی نیاز به برنامه‌های جامع آموزش و پرورش سیاسی را در می‌یابند که عناصری از بی‌ثباتی بالقوه را در نظام خود شاهد باشند، به عنوان مثال، ناپلیون معتقد بود مادامی که به کودکان آموخته نشده که آیا جمهوری خواه باشند یا سلطنت طلب، دولت نمی‌تواند یک ملت را تشکیل بدهد. به اعتقاد کلمن آموزش و پرورش رسمی ابزار اصلی تغیر نگرش‌ها و تعیین‌کننده الگو‌های جدید سیاسی است، که معطوف به پرورش شهروند خوب می‌باشد. یکی دیگر از کارکرد‌های تعلیم و تربیه را میتوان یگانگی اجتماعی دانست. تعلیم و تربیه رسمی، وسیله مهمی برای تبدیل یک جامعه نامتجانس بسوی جامعه یگانه و یکپارچه از طریق توسعه و تقویت فرهنگ و هویت مشترک است. از این رو دولت‌های ملی با ایجاد نظام آموزش و پرورش همگانی مقارن بوده است. مدارس از طریق آموزش زبان رسمی به یکپارچگی اقوام مختلف داخل کشور ها کمک کرده است. افق هنجاری از دیگر کارهای ویژه آموزش و پرورش به حساب می‌آید. زمانیکه از نهاد آموزش و پرورش صحبت میکنیم، اشاره به گستره همگانی داریم که فضای جمعی فردیت‌های گوناگون است. در فضای مدنی شهروندان اخلاص شهروندی را می‌آموزند و به این مسله پی می‌برند که چگونه می‌بایستی به تفاوت‌ها احترام قایل شوند. نهاد‌های آموزشی گستره ایست که در آن همگان هدف واحد دارند (آموختن دانش و فراگیری مهارت‌ها) در عین زمان فضایی است که به اساتید و دانشجویان می‌آموزد تا به شیوه‌های گوناگون بیندیشند. محور اصلی این گفتگو مسوولیت است که از همگی ما فاعلان اخلاقی می‌سازد و ما را موظف می‌نماید که از مصالح همگانی دفاع کنیم.

نویسنده: زهرا طیب قبادی



فصلنامه نامه صلح باوران چشم به راه مقاله‌ها، تبصره‌ها، گزارش‌ها و طرح‌های خوب شما می‌باشد، این فصلنامه در زمینه ویراستاری مقاله‌ها دست باز دارد. صلح باوران اعلانات شمارا با کیفیت عالی و قیمت نازل می‌پذیرد.

نشر همزمان
کابل
پروان
کاپیسا
پنجشیر

راه‌های رسیدن به صلح دوامدار در کشور



مقدمه نویسنده: فاضل آراین

بیشتر از سه دهه می‌شود که مردم افغانستان برای دست یافتن به زندگی مسالمت‌آمیز و برخوردار شدن از یک فضای امن و مرفه، دست و پنجه نرم می‌کنند. و برای رسیدن به این هدف به رهکارهای متعددی رو آورده‌اند؛ از فکر تقسیم قدرت میان احزاب و اقوام مختلف گرفته تا دست انداختن به دامان خارجی‌ها و سوگند خوردن به پرده کعبه، و در این اواخر ایجاد شورای عالی صلح و پرداخت پول برای مخالفین مسلح دولت در برابر دست کشیدن از جنگ. اما با وصف این همه دیده می‌شود که هنوز مردم افغانستان در نبود صلح، چون یعقوب در فراق یوسف می‌سوزند و بی‌صبرانه در انتظار صلح، بی‌قراری می‌کنند. هنوز صدای انفجار و انتحار گوش‌ها را می‌خراشد و چشمان مادران معصوم را در غم فرزندان بی‌گناه‌شان، در سیلاب اشک غوطه می‌دهند و سیمای پلید ناامنی در آسمان کشور سایه افکنده و هر روز تیره تر می‌شود. به

راستی چرا دولت مردان افغانستان و جامعه جهانی با تمامی تلاش‌های که انجام داده‌اند قادر به تامین صلح و امنیت در کشور نشده‌اند و مانع اصلی که فراراه تامین صلح در افغانستان قرار دارد چیست؟ این‌ها همه پرسش‌های اند که در ذهن هر فردی از افراد این کشور نقش بسته است و بی‌صبرانه برای تسکین دلشان به دنبال پاسخی می‌گردند. بعد از شکست طالبان و سرازیر شدن قوای بین‌المللی به رهبری ایالات متحده و به‌خصوص بعد از انعقاد جلسه بن، انتظار برده می‌شود که افغانستان از یک جامعه صلح‌آمیز برخوردار خواهد شد و یا حد اقل، دیگر شاهد جنگ، ترور و وحشت نخواهد بود. ولی دیر نگذشت که این پندار غلط ثابت شد و مردم افغانستان هم‌چنان در انتظار صلح باقی ماند و دولت در راستای تامین صلح سراسری ناکام. در این مقاله تلاش بر آن است تا راهکار مناسبی را برای تامین صلح سراسری و پایدار در افغانستان، پیشکش نموده و پیش‌نیازهای اساسی صلح را به بحث و بررسی گیرد. تا باشد که شهروندان و دولت مردان این کشور آنرا در دستور خود کار قرار داده و به انتظار چندین دهه‌ای مردم افغانستان نقطه پایان بگذارند.

راه‌های رسیدن به صلح همیشه‌گی عبارتند از
بلند بردن سطح آگاهی جامعه: بسیاری از مشکلاتی که در طول تاریخ دامن‌گیر مردم افغانستان شده و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تاثیر سوء گذاشته است، پائین بودن سطح آگاهی و سطحی بودن بینش دینی، سیاسی و اجتماعی آنان است. و همین امر باعث شده است تا مردم و دولت افغانستان نتوانند در مقابله با چالش‌های که فرا روی‌شان

قرار گرفته‌اند، رویکرد پویا و راهکار سالم و کارآمد در پیش گیرند. تجارب کشورهای جهان و تاریخ پیشرفت و ترقی ممالک دنیا به وضوح ثابت کرده است، تا زمانی که زیر بنای فکری جامعه درست پی‌ریزی نشود، نایل شدن به یک زندگی آرام و مرفه و رسیدن به صلح دائمی و سراسری ناممکن است، و تلاش برای پیشرفت و ترقی جامعه و کشور، امری بیهوده. آگاهی سیاسی و زیر بنای فکری به اندازه‌ی برای انسانها مهم است که در صورت نبود آن، بشر از مقام انسانیت تنزل یافته و از آنجا که خود نمی‌تواند تصمیم درست در پیشبرد امور زندگی خود اتخاذ کند، ناخودآگاه به اسارت دیگران در می‌آید، و دیگران در مورد سرنوشت او تصمیم می‌گیرند. اینجاست که آزادی از انسان سلب می‌گردد، و وقتی آزادی از انسان گرفته شد، دیگر هیچ چیزی برای انسان باقی نمی‌ماند، و انسانی که در بند است و آزادی‌اش در گرو اختیار دیگران؛ هیچ فرقی با حیوان ندارد، و حیوان نمی‌تواند در مورد زندگی خویش تصمیم بگیرد. از همین رو است که خداوند تبارک و تعالی این همه تاکید روی زیر بنای فکری جامعه داشته و به صراحت بیان میدارد که خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد تا زمانی که در افکار و در نفس‌های آنان تغییر بوجود نیاید. تامین صلح سراسری در افغانستان با سطح فکری جامعه بصورت مستقیم در ارتباط بوده و در صورتی که مردم افغانستان از لحاظ فکری به پذیرش این صلح آماده نشوند، تامین صلح سراسری وادامی، دشوار و حتی غیر ممکن خواهد شد. ازسوی دیگر بر دولت نیز لازم است تا نیازهای جامعه را به دقت شناسایی نموده و با بررسی

دقیق و همه‌جانبه، راه حل مناسبی را در پیش گیرد. در غیر صورت، هر نوع کم‌توجهی و نادیده انگاری بینش دینی، سیاسی و اجتماعی مردم، و هر نوع غفلت از هنجارهای فرهنگی جامعه، عاقبت کار را وخیم‌تر می‌کند. پلان‌های که به منظور بلند بردن سطح آگاهی جامعه روی دست گرفته می‌شود، باید با توجه به محیط و جامعه‌ی مورد نظر، به دقت تمام برنامه‌ریزی شود و از قبل تشخیص داده شود که در کدام محیط از چه گزینه‌ی باید استفاده صورت گیرد. **وحدت ملی:** بیشتر از سه دهه می‌شود که مردم افغانستان در آتش اختلافات ناشی از جهل و نادانی، قوم‌گرایی و تعصبات مذهبی می‌سوزند، و هر گاهی که صحبت از صلح به میان آمده است همین اختلافات به عنوان بزرگ‌ترین چالش فراروی آن قرار گرفته است. به نظر می‌رسد تا به اختلافات و کشمکش‌های درونی میان اقوام مختلف افغانستان رسیدگی صورت نگیرد، پروسه تامین صلح به ناکامی مواجه می‌شود. هرچند اختلافات و تعصبات قومی، مذهبی و زبانی، پروسه تامین صلح در افغانستان را به چالش جدی روبرو ساخته است و هرکدام به نوبه خود مانع تامین صلح سراسری می‌شود، ولی دیده می‌شود که در این میان، قوم‌گرایی بیشتر مشکل آفریده و نزدیک به دو قرن است که دامن‌گیر مردم افغانستان شده است. استبداد سلاطین جابر و سرداران قبیله در طول تاریخ و نیز ترکیب احزاب و دسته‌بندی‌های سیاسی در ... **ادامه ۲ نسخه بعدی**

پیامدهای ناگوار ناامنی در جامعه

کشوری داریم که از لحاظ جغرافیای محاط به خشکه میبا شد. اما اگر امروز افغانستان را از لحاظ زندگی و نوعیت زندگی کردن مورد بررسی قرار دهیم. کشوریست که همه فضایش را جنگ، کشتار، ناامنی و هزاران نوع فجایع دیگر فرا گرفته است، که این وضعیت سرسام آور و ناهمگون تاثیرات بد روحی و روانی بالای جامعه و افراد جامعه وارد کرده است. و اتباع افغانستان سال‌هاست که ظلم، استبداد، نابسامانی و ناهنجاری‌ها را متحمل می‌شوند و هنوز هم دست به گریبان هستند. در این اواخر بیش‌ترین مسائلی که در افغانستان و کشورهای دیگر که در موردش بیشتر بحث صورت می‌گیرد چگونگی برقراری صلح و امنیت در این کشورها می‌باشند. اما نتایج این بحث‌ها و نشست‌ها همه و همه پشت درهای بسته پنهان مانده است. و عملی در کار نیست، فقط حرفیست برای کسبه کاران و خبریست برای رسانه‌ها. امنیت یکی از با ارزش‌ترین دارائی یک کشور می‌باشد. تا باشد که افراد جامعه در فضای مملو از صلح، صفا و آرامش به زندگی خود ادامه بدهند. این کاملاً آشکار است در کشوری که امنیت تامین نباشد افراد آن جامعه نمیتوانند به صورت درست به زندگی خود ادامه بدهند. امروز در افغانستان ناامنی و بی‌عدالتی به اوج خود رسیده است و مردم از این وضعیت رنج می‌برند. ناامنی میتواند خودش به تنهایی خودهمی جامعه و افراد جامعه را به بیراهه بکشاند که این یکی از بزرگ‌ترین پیامد ناامنی در یجامعه می‌باشد. یک جامعه‌ی که ناامنی در آن بزرگ‌ترین صورت مسأله است و همه افراد جامعه در فضای مملو از ترس، هراس و وحشت به سر ببرند به هیچ صورتی نمی‌تواند یک جامعه‌ی خودکفا باشد. ناامنی

واژه‌ی است که به ذهن و روان انسان‌ها صدمه بزرگی وارد می‌کند و نمی‌گذارد افراد جامعه انگیزه‌ی برای آینده سالم و روشن داشته باشند. امنیت یک نعمت بزرگیست که فرد فرد جامعه باید از آن مستفید باشند. اما در جامعه‌ی ما همه‌ی این نعمت‌ها به باد فنا رفته است. و هنوز هم اتباع افغانستان از زیستن در فضای آرام و بدون دغدغه و عاری از صدای گلوله، توپ و تفنگ که هنوز هم گوش‌هایشان را نوازش میدهد مستفید نشده‌اند. امروز افغانستان به محیطی مبدل شده است که همه گروه‌های فشار از هر مجرای ممکن حکم‌فرمایی می‌کنند و از راه‌های متنوع برای رسیدن به اهداف‌شان استفاده می‌کنند. ناامنی امروز افغانستان ضرر بزرگیست برای فردای نامعلوم افغانستان که همه‌اش نتیجه بی‌بند و باری‌ها و ناهنجاری‌های دیروز افغانستان است و متأسفانه هنوز هم ادامه دارد. اتباع افغانستان از گذشته‌های دور تا به امروز قربانی‌های بسیاری را به سبب نبود امنیت متحمل شده‌اند. مردم افغانستان نه تنها که قربانی هستند، بلکه مهره‌های هستند برای رسیدن به اهداف قدرت طلبان. همه صلح می‌خواهند روزها و شب‌ها نعره‌های صلح خواهانه بلند می‌شود اما فرد شنوایی در این مملکت وجود ندارد تا صدای مردم بی‌چاره و مظلوم که از این همه نابسامانی و افراطیت به تنگ آمده‌اند بشنود و به آن نعره‌ها جوابگو باشد. امنیت یک کشور می‌تواند هویت آن کشور می‌باشد. و صدها مورد دیگر به این هویت که امنیت یک کشور میتواند نام برد پیوند دارد. اگر هویت یک کشور خدشه دار شود آن‌زمان اعتبار آن از بین میرود و جامعه و افراد جامعه از زندگی و زیستن دلسرد می‌شوند. و در افغانستان هم بیش‌ترین چیزیکه روی آن تمرکز اساسی تا حال صورت نگرفته چگونه‌گی تامین صلح و امنیت در کشور است. جامعه افغانستان جامعه‌ی است که رعیت‌اش همه‌ء آوان زندگی‌شان را همراه با خونریزی‌های پی‌هم کشتار و قتل عام توسط کشور‌های بی‌گانه به اثر جنگ‌های قدرت طلبانه سپری کرده است و بدبختانه این وضعیت تا هنوز ادامه دارد. مهم‌ترین پیامد‌های

مسئولیت نبشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.
فصلنامه‌ی صلح باوران نظریات، انتقادات و پیشنهادات شما را با جبین باز می‌پذیرد.